

به پیش!

اتحاد سوسیالیستی کارگری

www.wsu-iran.org

شماره ۶۴، دوشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۰، ۳۰ مه ۲۰۱۱

اطلاعیه برگزاری نشست شورای مرکزی

پیش نویس را به تکمیل این سند موظف کرد و همچنین از کمیته اجرایی خواست تا متن نهایی و مصوب این سند را همراه با سایر بیانیه های سازمان از بدو آغاز جنبش توده ای و بیانیه "بسوی حزب"، در شکل یک کتاب منتشر کند.

در بخش مباحث سیاسی، نشست شورای مرکزی همچنین به بحث در مورد مسأله کار مخفی و علنی در جنبش کارگری، ضرورت تدوین و تصویب سند مستقلی درباره اهداف و استراتژی سوسیالیست های کارگری، مسأله نقش جوانان و فعالیت در محلات در جنبش جاری پرداخت، و در این مورد آخر قطعنامه ای تحت عنوان "جایگاه و اشکال مبارزه جوانان در فاز جاری جنبش توده ای" را برای انتشار عمومی تصویب کرد. در بخش مباحثات تشکیلاتی، شورای مرکزی بررسی و تصویب اسناد تنظیم شده از جانب کمیته اجرایی برای بازسازی ارگان های تشکیلاتی را به یک کمیسیون سپرد، و نشست با تعیین تاریخ کنفرانس سازمانی آتی و انتخاب دبیر شورای مرکزی و کمیته اجرایی به کار خود پایان داد.

شورای مرکزی اتحاد
سوسیالیستی کارگری

اردیبهشت ۱۳۹۰ - مه ۲۰۱۱

نشست عادی شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری در روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل گذشته برگزار شد. مهم ترین دستور کار این نشست پیش نویس سند "ایران در عصر بحران و انقلاب" بود که پیشتر در بارو ۲۶ (اسفند ۱۳۸۹، مارس ۲۰۱۱) انتشار عمومی یافته بود. بحث و بررسی این پیش نویس نیمی از وقت نشست را به خود اختصاص داد و در طول بحث ها علاوه بر اصلاحیه های اعضای شورای مرکزی، نقطه نظرات رفقا و دوستانی که ملاحظات خود را بر نسخه انتشار یافته این سند برای سازمان ارسال کرده بودند قرائت شد و مورد بحث قرار گرفت. با توجه به مجموع بحث ها و اصلاحیه های عرضه شده، شورای مرکزی تصمیم گرفت که علاوه بر موارد جزئی و تصحیحات انشایی، از نظر مضمونی لازم است که در این سند، الف) مسأله ایجاد حزب سوسیالیستی کارگران و مسیر ایجاد آن، با توجه به سند مصوب "بسوی حزب" شورای مرکزی، تصریح گردد؛ ب) رابطه مطالبات اقتصادی و سیاسی جنبش جاری در ایران در شکل شعار سمبولیک "نان و آزادی" برجسته تر شود؛ و ج) بررسی گرایشات درونی اپوزیسیون لیبرالی با دقت و سابه روشن بیشتری بیان شود. در این راستاها، شورای مرکزی نگارندگان

رژیم اسلامی در گرداب بحران حکومتی

رضا مقدم

۴ شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۰

دولت احمدی نژاد روی دست کودتاچیان و خامنه ای مانده است و همه مخالفان انقلاب، از رفسنجانی و اصلاح طلبان گرفته تا لیبرالهای مدافعشان، هر یک به نوعی می کوشند تا از عواقب مرگبار آن برای کل رژیم اسلامی بکاهند. این واقعه تأثیرات عینی مخربی بر موقعیت و توانایی جریانهای می گذارد که در تلاشند تا برای برون رفت از بحران رژیم اسلامی راه حلی ارائه دهند و مانع از تقویت نیروهای خواستار سرنگونی رژیم اسلامی شوند. رژیم اسلامی به شکل فعلی قادر به ادامه حیات نیست و جریانهای سیاسی از داخل و خارج رژیم، از محافظه کاران و اصلاح طلبان و لیبرالها گرفته تا انقلابیون و سوسیالیستها در تلاش برای سمت و سو دادن به اوضاع سیاسی به نفع استراتژی خود هستند. مادام که رابطه رژیم اسلامی با صاحبان صنایع و سرمایه چین است، مادام که رژیم اسلامی قادر به حل بحران اقتصادی فعلی نیست، و مادام که رژیم اسلامی قادر نیست اقتصاد ایران را از بن بست ناشی از تحریمهای گسترده جهانی، که تأثیرات بحران اقتصادی را صد چندان کرده، بیرون ببرد، مستقل از اینکه اعتراضی در پائین وجود داشته باشد یا نه رژیم اسلامی از بحران حکومتی و اختلاف جناحها که هر از چند گاهی سر باز می کند، رهایی ندارد. این بار اختلاف بر سر برکناری و ابقای مصلحی وزیر اطلاعات آغاز شده و تمام ارکان رژیم را فرا گرفته است.

رژیم اسلامی بزرگترین هزینه سیاسی تاریخ خود را برای دو دوره رئیس جمهور شدن احمدی نژاد داد. چهره بزک کرده ای که در میان مردم منقطه از خود ساخته بود، عریان شد. پوشالی بودن اقتدارش بر مردم ایران نزد

در صفحه ۲

قطعنامه اتحاد سوسیالیستی کارگری در باره جایگاه و اشکال مبارزه جوانان در فاز جاری جنبش توده ای

صفحه ۵

رژیم اسلامی در کرداب بحران حکومتی

قدرتهای بزرگ جهان آشکار شد. با یک ریزش نیرو بخش بزرگی از قدیمی ترین رهبران و کار بدستان زیده خود را از دست داد. بخشی از دستگاه آخوندی و حوزه های دینی که مدافعان و ترمیم کنندگان قدیمی ایدئولوژیکش بودند به منتقدانش تبدیل شدند. تمام کوشش رژیم برای نور کردن خامنه ای بعنوان ستون فقرات رژیم اسلامی از انتقادات و مقصر جلوه دادن دیگر ارگانها و سران رژیم، در عرض چند ماه به باد رفت و اکنون مسئولیت همه کاستی ها، فسادها و جنایات رژیم اسلامی متوجه وی است. رژیم اسلامی با سرکوب خشن جنبش آزادیخواهانه مردم، با دستگیری، شکنجه، تجاوز و اعدام صحت سالها افشاگریهای نیروهای انقلابی و سوسیالیست را نزد مردم اثبات کرد و مردم ایران را ناچار ساخت تا از آن عبور کنند و خواستار سرنوشتی رژیم اسلامی شوند.

هزینه مقابله رژیم اسلامی با رئیس جمهورش کمتر از هزینه کودتایی که وی را از صندوقها بیرون آورد، نیست. در کشوری که حدود سه و نیم میلیون دانشجو دارد دستگاه های تبلیغاتی و سیاسی رژیم اسلامی حتی از ارائه استدلالهای ساده برای دفاعی که تا یک ماه قبل از احمدی نژاد می کردند، عاجزند. به همین دلیل مبلغان و دستگاههای تبلیغاتی فاقد استدلال رژیم اسلامی برای جلوگیری از ریزش شدید نیروهای گنج و حیرانان حمایت دیروز از احمدی نژاد و مقابله امروز با وی را، هر دو را، تبعیت از خامنه ای اعلام می کنند و عملاً همه تقصیرها را متوجه ولی فقیه می سازند که خود ضربه اساسی به اعتبار و موقعیت وی بعنوان ستون فقرات رژیم اسلامی است. بی جهت نیست که کلمه "بی بصیرت" بسرعت از ادبیات تبلیغاتی رژیم اسلامی حذف شد چرا که نزد نیروهای وفادار به رژیم مصداق مناسب آن تنها می تواند، خامنه ای باشد و باعث تضعیف بیشتر موقعیتش در کل رژیم گردد.

بازنده اصلی این بحران خامنه ای و ولی فقیه و به این اعتبار کل رژیم اسلامی و

در صفحه ۳

روز کارگر در سال "ستیز طبقاتی"

رضا مقدم - ۲۶ فروردین ۱۳۹۰

به نقل از کارگر امروز شماره ۴، ۱۸ فروردین ۱۳۹۰

بمناسبت روز کارگر پارسال، تشکلهای علنی جنبش کارگری یک بیانیه مشترک از فوریتترین خواستههای خود را اعلام کردند و در تکمیل آن شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر با انتشار یک اطلاعیه در تحلیل اوضاع سیاسی ایران، کارگران را به تظاهرات و اعتراضات سراسری در روز کارگر دعوت کرد. اقدام به تشکیل یک شورای مخفی برای فراخوان به تظاهرات روز کارگر و بیان نظرات جناح چپ جنبش کارگری ایران در قبال جنبش مردم در سال ۸۸ نشانه ای از آغاز روند انسجام سوسیالیستهای جنبش کارگری در بسیج جنبش کارگری برای کسب هژمونی و رهبری جنبش مردم بود.

با آغاز جنبش عظیم مردم علیه رژیم اسلامی مباحثی در میان فعالین جناح چپ جنبش کارگری درباره ماهیت این جنبش، دینامیزم آن و مواضعی که جنبش کارگری در قبال آن باید داشته باشد، جریان یافت. این مباحثات تقریباً پس از پایان موج اول جنبش سمت و سوی سوسیالیستی و کارگری یافت و تشکیل کمیته های کارگران سوسیالیست داخل کشور و شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر نیز از نتایج آن بود. هم مطالباتی که شورای برگزاری مطرح کرد و هم زاویه نگرشش به جنبش مردم علیه رژیم اسلامی می توانست نقطه حرکتی برای ایجاد یک چتر اتحاد برای هر سه جنبش کارگری، دانشجویی و زنان باشد. با آنکه میلتاریزه شدن شهرها و بویژه در تهران در روز کارگر مانع از شکل گیری یک حرکت بزرگ کارگری شد اما پس از دهه شصت برای اولین بار بود که جنبش کارگری با چنین قامتی در صحنه سیاسی ایران ظاهر میشد.

با فروکش اعتراضات خیابانی، حتی در جناح چپ جنبش کارگری نیز رفقای بودند که تحلیل صحیحی از دینامیزم جنبش اعتراضی مردم نداشتند و آنرا تمام شده قلمداد کردند و متوجه رشد و گسترش این جنبش در اعماق جامعه

به پیش!

نبودند. با تظاهرات ۲۵ بهمن، همانگونه که با تحلیل مارکسیستی قابل پیش بینی بود موج دوم جنبش مردم رادیکال تر از موج اول آغاز شد و با هدف قراردادن کل رژیم اسلامی به تمام ناباوران نشان داد که در غیاب اعتراضات خیابانی جنبش مردم در اعماق جامعه چه تحولاتی را از سر گذرانده است. نام گذاری این دوره به ستیز طبقاتی توسط شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر به همین تغییر و تحولات موج دوم جنبش مردم علیه رژیم اسلامی تاکید دارد که می رود تا مبارزه برای نان و آزادی را در هم ادغام کند.

موج دوم جنبش مردم از نظر عینی آماده فرا رویی بسوی یک انقلاب علیه رژیم اسلامی است. آنچه این شرایط کم دارد ورود جنبش کارگری به صحنه مبارزه علیه رژیم اسلامی با ابزار اعتصابات است. بسیج جنبش کارگری برای ایجاد تشکل و روی آوری به اعتصاب در گرو اتحاد مستحکم جناح چپ جنبش کارگری حول یک استراتژی کارگری و سوسیالیستی است. یک فرصت بزرگ تاریخی برای تمام جنبش های اجتماعی ایران فراهم شده تا بتوانند در اتحاد با هم بر رژیم اسلامی پیروز شوند و مطالبات جنبشهای خود را متحقق کنند. این فرصت برای همیشه باز نیست. تا آنجا که به سوسیالیستهای جنبش کارگری بر می گردد رها کردن مردم از هر گونه ستم و استعمار را رسالت طبقه کارگر دانسته اند و برای آماده کردن جنبش کارگری از هر نظر تلاش خواهند کرد. در این راستا بسیج کارگران برای اعتراض و تظاهرات در روز کارگر جایگاه برجسته ای دارد. تاکنون و به مناسبت روز کارگر کمیته های کارگران سوسیالیست داخل کشور یک منشور مطالبات کارگری منتشر کرده و شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر نیز در اولین اطلاعیه خود مطالبات کارگران را بیان کرده داشته است. نشریه کارگر امروز خود را در کنار مطالباتی می داند که این دو تشکل اعلام کرده اند و لذا هر دو اطلاعیه آنها را در همین شماره تجدید چاپ می کند. نشریه کارگر امروز از فراخوانهای شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر حمایت می کند و در راستای اطلاعیه شماره یک آن امسال را سال "ستیز طبقاتی" و "نبرد کارگری" می نامد. *

Postfach 940166
60459 Frankfurt
Germany

bepish@hotmail.fr

به پیش!

مسئولیت هر مطلب درج شده بر عهده نویسنده آن است. به پیش! در رد یا پذیرش و نیز در کوتاه کردن و ویرایش هر نوشته رسیده آزاد است و تصمیمات خود را به اطلاع فرستنده آن میرساند.

به خانه کارگر اجازه تظاهرات خیابانی
بمناسبت روز کارگر نداد و اینها ناچار
شدند مراسم خود را بسیار محدود و با
کارت دعوت در سالنهای سرپوشیده
برگزار کنند!

روز کارگر سال ۸۸ اوج ۲۸ سال مبارزه
کارگران علیه رژیم اسلامی بود در عرصه
برگزاری مراسم مستقل و غیر دولتی روز
جهانی کارگر. در این سال کارگران در
تهران بدون رجوع به مقامات دولتی برای
گرفتن اجازه تظاهرات برای روز کارگر،
راسا در مورد روز و محل و ساعت
برگزاری تظاهرات تصمیم گرفتند و آن را
علنا اعلام و اجرا کردند. در این روز
رژیم اسلامی محل تظاهرات را که پارک
لاله بود با نیروهای امنیتی و پاسدار و
بسیجی قرق کرد و تعداد بسیاری از
کارگران را دستگیر کرد.

کمتر از دو ماه بعد از روز کارگر سال
۸۸، جهانیان شاهد عروج یک جنبش
میلیونی برای آزادی و علیه دیکتاتوری در
ایران بودند. این جنبش قدرتمند که با
تظاهرات ۲۵ بهمن سال قبل وارد فاز دوم
خود شده است جنبشهای کارگری،
دانشجویی و زنان را شدیداً تحت تأثیر قرار
داد. پس از عروج جنبش آزادیخواهانه
مردم ایران تحلیل نقاط قوت و ضعف هر
یک از جنبشهای کارگری، دانشجویی و
زنان اگر چه می تواند مستقلاً مورد
بررسی قرار گیرد، اما تنها موقعی جایگاه
واقعی خود را خواهد یافت که در ارتباط با
اوضاع عمومی سیاسی ایران باشد.

(ادامه دارد)

در شماره آینده کارگر امروز، وقایع روز
کارگر ۹۰ را از همین زاویه مورد بررسی
قرار میگیرد.*

جایگاه روز کارگر ۹۰ در مبارزه کارگران

روبرو شد. چند روز قبل از برگزاری این
تظاهرات محمود صالحی به همراه
مترجمش، محسن حکیمی، با آنا بیوندی از
نمایندگان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه
های آزاد کارگری دیدار داشت و این
ملاقات زمینه های لازم را برای تبدیل
شدن مبارزه برای آزادی هفت نفر از
دستگیرشدگان روز کارگر سقز به کمپین
جهانی جنبش کارگری فراهم کرده بود.

در دهه هشتاد تحریم مراسم روز کارگر
دولتی هم یک نقطه عطف مهم را از سر
گذراند. فعالین جنبش کارگری در تهران
اقداماتی را برای خارج کردن کنترل
تظاهرات از دست خانه کارگر آغاز کردند
که دو نمونه بسیار مهم آن در استادیوم
امجدیه و استادیوم سرپوشیده آزادی بودند.
در امجدیه کنترل تجمع مراسم دولتی از
دست خانه کارگر بیرون آمد و یک بخش
از کارگران با شعارهای رادیکال و از
جمله خواست آزادی محمود صالحی از
استادیوم خارج شدند و در خیابان دست به
تظاهرات زدند. مورد دوم در استادیوم
سرپوشیده آزادی بود که خانه کارگر در
نظر داشت تا مراسم روز کارگر را در
اختیار رفسنجانی بگذارد تا از آن برای
تبلیغات ریاست جمهوری خود استفاده کند.
هنگامی که رفسنجانی در راه بود به وی
اطلاع دادند که کنترل سالن از دست خانه
کارگر خارج شده و وی از نیمه راه
بازگشت. رژیم اسلامی در اولین قدم دیگر

رژیم اسلامی در گرداب بحران حکومتی

همچنین اصلاح طلبان رانده شده از قدرت اند و
برنده اصلی آن جنبش آزادیخواهانه مردم ایران
و نیروهای خواهان سرنگونی رژیم اسلامی
هستند. در درون رژیم چند جریان در تلاش
برای شکل دادن به آینده رژیم اسلامی اند. الف)
احمدی نژاد و حامیانش که بر روی ضدیت
مردم ایران با اسلام و آخوندها به ویژه ضدیت
با رفسنجانی و خامنه ای اتکا می کنند و نوعی
از ایرانی گری را ارائه می دهند. در ۲۵ بهمن
سال گذشته خامنه ای هدف اصلی حمله
اعتراضات مردم بود. اکنون آشکار شده که
خامنه ای حتی نزد بسیاری از مدافعانش در
بالاترین سطوح نظام نیز دیگر فصل الخطاب
نیست و اعتبار خود را از دست داده است. ب)
طرفداران حکومت اسلامی که جمهوری بودن
رژیم را نمی پذیرند و ولی فقیه را بالاتر از
قانون اساسی و تنها قدرت کشور می دانند. این
جریان در صف اول حمله به احمدی نژاد
هستند. هنگامی که احمدی نژاد در اختلاف بر
سر وزیر اطلاعات بر حقوق قانونی رئیس
جمهوری در برکناری وزرا تأکید کرد، در نماز
جمعه تهران به وی اعلام کردند که وی حتی
اختیار حفظ زندگی خصوصیش را بدون موافقت
ولی فقیه ندارد و خامنه ای می تواند همسر وی
را راساً طلاق دهد! ج) اصلاح طلبان رانده شده
از قدرت و لیبرالهای مدافعشان از بازندگان این
بحران هستند. شکاف در بالا قاعدتا می بایست
به نفع اینها باشد اما نیست. زیرا بدلیل روند
اوضاع عینی بسمت عبور جنبش مردم از رژیم
اسلامی، سیاستهای اصلاح طلبان رانده شده از
قدرت نه تنها تقویت نشد بلکه انسجام و
اتحادشان را سریعاً از دست دادند و به سه گروه
تقسیم شدند. یک گروه مطابق هدف اصلیشان که
اجرای بدون تنازل قانون اساسی است و از
جمله مخالف سقوط جایگاه رئیس جمهوری به
رئیس تدارکات دفتر خامنه ای هستند، عملاً از
حقوق قانونی رئیس جمهور در ابقا و یا
برکناری وزرا حمایت کردند و علیه نیروهای
جلو صحنه خامنه ای علیه احمدی نژاد که
خواهان خلافت اسلامی هستند، موضع گرفتند.
گروهی دیگر از جمله رفسنجانی و خاتمی و
مدافعانشان درست بر عکس از خامنه ای دفاع
کردند. نزد اینها حفظ رژیم بدون حفظ خامنه ای
ممکن نیست و عبور از خامنه ای را همان
عبور از کل رژیم اسلامی میدانند. در تمام دو
ساله گذشته اینها کوشیدند تا خامنه ای را از
احمدی نژاد دور کنند و منفعت رژیم و خود ولی
فقیه را در غیر جناحی بودن آن دانستند.

تماس مستقیم با اتحاد سوسیالیستی
کارگری

wsu@home.se

تلفن:

0046-739-397-143

آدرس سایت اتحاد سوسیالیستی
کارگری

www.wsu-iran.org

آدرس سایت کارگر امروز

www.workertoday.com

رژیم اسلامی در گرداب بحران حکومتی

رفسنجانی و خاتمی که در نامه های علنی خود خامنه ای را از اعتماد به احمدی نژاد و مدافعتش بر حذر داشتند و به وی هشدار دادند که پس از حذف اصلاح طلبان نوبت خود خامنه ای خواهد رسید، امروز با گوشزد کردن اشتباه خامنه ای در حمایت از کودتا و احمدی نژاد می کوشند تا اثبات کنند که اینها مدافع واقعی ولی فقیه هستند. یک گروه سومی هم هستند که علیه خامنه ای و احمدی نژاد، هر دو موضع گرفتند. این ها بخوبی مشاهده کردند که با تظاهرات ۲۵ بهمن سال ۸۹ بدنه جنبش آزادیخواهانه مردم ایران از رژیم اسلامی عبور کرده است. در مقابله با احمدی نژاد چنانچه طرفداران خلافت اسلامی دست بالا بیابند از نظر عینی مدافعان اجرای بدون تنازل قانون اساسی بی پایه ترین و بی ربط ترین نیروی سیاسی خواهند بود و بیشترین نیروی خود را به نفع نیروهای سرنگونی خواه و انقلابی و سوسیالیست از دست می دهند.

بحران عمیق اقتصادی رژیم اسلامی را تحریمهای بین المللی به ویژه در امور بانکی و صنعت نفت و گاز تشدید کرده است. با حذف یارانه ها دهها میلیون مردم ایران از پرداخت هزینه مایحتاج روزانه و عمومی خود ناتوان شده اند و بطور مثال قادر به پرداخت هزینه برق و گاز خود نیستند. موج دوم جنبش آزادیخواهانه مردم ایران که با تظاهرات ۲۵ بهمن سال گذشته آغاز شد و کل رژیم اسلامی را هدف گرفته بود میرود تا در سال ۹۰ گسترش یابد. موج دوم جنبش مردم در سال ۹۰ برای رفتن به سمت یک انقلاب تمام عیار علیه رژیم اسلامی با موانع کمتری روبروست، چرا که دو نیروی عمده مقابل آن تضعیف شده اند. رژیم اسلامی بدلیل ریزش نیرو و شکاف در بالا برای مقابله با اعتراضات نسبت به شروع این جنبش در سال ۸۸ تضعیف شده است و هم موقعیت اصلاح طلبان برای اعمال هژمونی بر اعتراضات و محدود کردن آن در چهارچوب اجرای بدون تنازل قانون اساسی تضعیف شده است.*

اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری بمناسبت روز کارگر

سال نبرد توده ای، سال ستیز طبقاتی

میدان آمدن کارگران با سلاح اعتصاب و ترکیبی از خواستهای اقتصادی و سیاسی، نان و آزادی، امکان پذیر است.

روز کارگر پارسال ۱۲ تشکیل علنی کارگری یک بیانیه مشترک مطالباتی دادند و در تکمیل آن شورای برگزاری روز جهانی کارگر طی اطلاعیه ای نحوه برخورد جنبش کارگری به جنبش آزادیخواهانه مردم را بیان کرد و کارگران را به تجمعات و تظاهرات های سراسری در روز کارگر فراخواند. اگر چه میلیتاریزه شدن شهرهای اصلی ایران و به ویژه تهران مانع از تجمعات کارگران شد اما فضایی که این دو اطلاعیه در حمایت و همبستگی با جنبش کارگری ایران خلق کرد از سال ۱۳۶۰ به اینسو بیسابقه بود. امسال نیز کمیته های کارگران سوسیالیست داخل کشور با انتشار منشور مطالبات کارگری و شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر نیز با انتشار بیانیه ای در تدارک برگزاری روز کارگرند. مستقل از اینکه کارگران تا چه حد بتوانند مراسم روز کارگر خود را بشکل وسیع برگزار کنند، سال ۹۰ یک سال تعیین کننده برای جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم است؛ سالی که شورای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در تقابل با سال "جهاد اقتصادی" خامنه ای آنرا سال "ستیز طبقاتی" نامیده است.

سرتگون باد رژیم اسلامی

پیروز باد مبارزه برای نان و آزادی

زنده باد سوسیالیسم

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی

کارگری

پنجم اردیبهشت ۱۳۹۰

روز کارگر امسال در شرایطی فرا می رسد که سرمایه داری ایران و رژیم اسلامی حامی آن در یکی از عمیق ترین دوران بحران سیاسی، اقتصادی و حکومتی خود است. ادامه حیات نظام سرمایه داری ایران فقط با حذف یارانه ها که غارت سفره نان محقر ده ها میلیون کارگر و زحمتکش و خانواده هایشان است ممکن شده و در مقابل آن یک مقاومت سراسری با امتناع از پرداخت قبضه های گاز آغاز شده است. عروج جنبش آزادیخواهانه مردم ایران بحران حکومتی رژیم اسلامی را لاعلاج کرده، رژیم را ناتوان از سروسامان دادن به صفوف خود ساخته و ادامه حیاتش را تنها با بکارگیری تمام ابزارهای دیکتاتوری و سرکوبش در یک جنگ مرگ و زندگی با مردم گره زده است. با آغاز جنبشهای انقلابی در کشورهای عربی که از شمال آفریقا تا خاورمیانه علیه دیکتاتوری، فساد و کلیه بلایایی که نظام سرمایه داری برشان آورده امتداد یافته، جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه رژیم اسلامی به بخشی از یک جنبش عظیم منطقه ای تبدیل شده که بر هم تاثیر می گذارند.

جنبش آزادیخواهانه مردم رژیم اسلامی را افشا و بی ابرو ساخت و ارتجاع اسلامی را در کل کشورهای اسلامی و عربی ضعیف کرد. انقلابات و جنبشهای آزادیخواهانه در کشورهای عربی اثبات کرد که ارتجاع اسلامی که یکی از بزرگترین دشمنان کارگران است، مقبولیت خود را از دست داده است و راه حلهای انقلابی و رادیکال جای راه حلهای دیگر را گرفته است. در ایران نیز با تظاهرات ۲۵ بهمن که مردم حذف خامنه ای را بعنوان ستون فقرات رژیم اسلامی هدف فوری خود اعلام کردند روند دست بالا یافتن راه حل و استراتژی انقلابی آغاز شده و اوضاع عینی به نفع انقلابیون و سوسیالیستها چرخش بزرگی کرده است. اکنون فوری ترین خواست جنبش مردم سرنگونی رژیم اسلامی است و لذا تنها استراتژی سوسیالیستی و کارگری می تواند این خواسته را متحقق کند. این خواست تنها با به

زنده باد انقلاب کارگری!

جایگاه و اشکال مبارز جوانان در فاز جاری جنبش توده ای

و زحمتکشان در جنبش جاری، با تشکل ها و خواست های طبقاتی خود، و با استراتژی روشنی در تقابل با استراتژی نیروهای سیاسی طبقات سرمایه دار و غیرکارگر، باشد. محتوای وظایف و اشکال سازماندهی و فعالیت جوانان را بر این اساس می توان این گونه برشمرد:

الف) حیطه کار: در وهله اول، محلات کارگری و زحمتکش نشین. (ب) وظایف تبلیغی: پخش تراکت، دیوار نویسی، شعار در تظاهرات و همچنین اشکال نوینی از تیم های هنری تبلیغاتی شهری در قالب های کار با استنسیل و یا استیکر که ریسک اکت تبلیغاتی را در برخورد با نیروهای سرکوبگر پلیس کم می کند.

- طرح شعارهای قاطع در تقابل با نقشه های اصلاح طلبان (نظیر: مرگ بر دیکتاتور، خامنه ای، ولایت فقیه، علیه سپاه، بسیج و...) - طرح خواست های اقتصادی کارگران و زحمتکشان در تقابل با سکوت اصلاح طلبان و لیبرال ها در برابر شعار "نان". (درباره دستمزد، مسکن، هزینه های سنگین برق و گاز ناشی از سیاست ریاضت اقتصادی و همدند سازی یارانه ها، بهداشت، ترانسپورت، گرانی مواد غذایی و...)

- تبلیغ عمل مستقیم زحمتکشان به عنوان راه تحقق خواست ها شان (مصادره مسکن و دارایی و غیره) - تبلیغ خواست های اقتصادی و خواست های سیاسی تلفیق شده ("نان و آزادی")، و تثبیت توأم آنها بمنزله مطالبات جنبش و انقلاب، جلب سمپاتی توده هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان به این خواست ها به مثابه مطالبات خود آنها.

- تبلیغ ویژه در مورد ضرورت سازمان یافتن و مبارزه زنان کارگر و زحمتکش برای ایجاد زمینه های سازمانیابی محلی آنها.

ب) وظایف آکسیونی:

- در فاز فعلی، شکل اصلی آکسیون جوانان به راه انداختن تظاهرات های موضعی در محلات به ویژه محلات زحمتکش نشین، حول محتوای شعارهای تبلیغی بند پیش است.

- هدف این تظاهرات های موضعی و محلی، بسیج اقشار هرچه بیشتری از کارگران و زحمتکشان برای پیوستن به این تظاهرات ها و از این طریق ایجاد احساس مشارکت در جنبش است.

- تظاهرات های موضعی و محلی در این فاز ابداً در هم شکستن نیروهای سرکوبگر محلی رژیم را نمی تواند در دستور داشته باشد، هرچند مقابله با نیروهای سرکوبگر و خنثی کردن آنها برای مصون داشتن تظاهر کنندگان و ارتقاء روحیه بسته به مورد ممکن است کاملاً ضروری شود.

- در فاز فعلی، معیار موفقیت این تظاهرات ها احساس توفیق توده شرکت کننده از نفس اعتراض، بیان جمعی خواست های زحمتکشان، احساس تقویت پیوند و هم-سرنوشتی میان آنها، و ارتقاء اعتماد به نفس مبارزاتی آنهاست.

- به همه این دلایل، لازم است که این تظاهرات ها از سوی جوانان متشکل در محلات با ظرافت هدایت شود، مدت معین داشته باشد و با تحقق نسبی اهداف از پیش تعیین شده ختم آن اعلام شود.

ت) شکل سازمانی: جمع جوانانی که فعالیت در یک یا چند محله را با اهداف و شیوه های فوق در دستور خود قرار می دهند، مستقل از هر نامی که بر خود می گذارند (هسته، کمیته، جمع،...) و مستقل از اینکه وجود چنین جمعی را اعلام می کنند یا نمی کنند، می باید نفرت معدودی را در بر بگیرد که روابط طبیعی اجتماعی با یکدیگر داشته باشند (از جمله جمع دوستان قدیمی یا روابط خانوادگی) تا شناخت متقابل و پیوندهای عاطفی و سیاسی شان فعالیت مخفی دسته جمعی را ممکن کند و ریسک امنیتی را حتی المقدور کاهش دهد. علاوه بر انجام فعالیت های تبلیغی و آکسیونی بالا، این جمع ها باید:

- ۱- با مطالعه و بحث درونی دانش سیاسی خود را ارتقا دهند.
- ۲- با فراگرفتن فنون پنهانکاری در مقابل تعرض عاملان رژیم و دستگاه های سرکوبگر هشیاری خود را افزایش دهند.
- ۳- با ارتقاء دیگر جوانان فعال امکان ایجاد هسته هایی نظیر جمع خود را فراهم نمایند.
- ۴- یافتن راهکارهایی برای شناسایی عوامل رژیم در محله که پس از جمعاعات با دادن آمار موجبات دستگیری افراد مبارز محل به توسط نیروهای سرکوبگر را به همراه می آورده یا اطلاعاتی هایی که نقش مستقیم در سرکوب اعتراضات مردم دارند، و افشای آنها.

تطعننامه مصوب شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

هفدهم آوریل ۲۰۱۱

۱) به اقرار همگان، جوانان نیروی مهمی در جنبش جاری بوده اند، شجاعت زیاد و قدرت ابتکار فراوانی را در اعتراضات و تظاهرات و رویارویی های خیابانی نشان داده اند، و در کل بار رادیکالیسم جنبش جاری را بر دوش داشته اند. اساساً جنبش جوانان علاوه بر اینکه بطور طبیعی حامل خواست آزادی های مدنی و سیاسی است، از مبارزه طبقاتی و سوسیالیستی نیز به دور نیست، چرا که اکثریت آنها یا خود به مثابه یک کارگر در جایگاه استثمار شادگان بوده یا اینکه جایگاه طبقاتی خانواده شان و رنج پدران و مادرانشان به عنوان زحمتکشان و کارگران جامعه واقعی است که زمینه چنین نزدیکی با سوسیالیسم را پدید می آورد.

۲) فعالان سوسیالیست کارگری هم موظف هستند رادیکالیسم جوانان را در راستای یگانه رادیکالیسم باتمر، یعنی استراتژی سوسیالیستی طبقه کارگر، سوق دهند و از اتلاف این انرژی عظیم که با مخاطرات بزرگی، از بی حاصلی و سرخوردگی گرفته تا ماجراجویی، روبروست جلوگیری کنند؛ هم از زاویه پیشبرد استراتژی مستقل طبقه کارگر می باید جایگاه مبارزه این قشر وسیع را در جنبش جاری روشن کرده و قدرت ابتکار و شجاعت و رادیکالیسم تحرک جوانان را در خدمت افزایش نفوذ طبقه کارگر در جنبش جاری قرار دهند.

۳) "جوانان" به مثابه قشر وسیعی از جمعیت اساساً بر مبنای گروه سنی تعریف می شوند و جایگاه واحدی نه در عرصه تولید اقتصادی دارند و نه در ساختار طبقاتی جامعه. این واقعیت به این معناست که تعیین وظایف مبارزاتی و عرصه فعالیت برای جوانان (بویژه برخلاف طبقه کارگر، یا مثلاً دهقانان) نمی تواند صرفاً با رجوع به دوره استراتژیک (دوره غیرانقلابی، اعتلاء، دوره انقلابی) انجام گیرد. مشخصاً در مورد جنبش جاری در ایران، تنها با توجه به فازهای تاکتیکی عینی جنبش جاری است که سوسیالیست های کارگری می توانند اشکال سازماندهی و وظایف مبارزاتی معینی برای جوانان تعریف کنند.

۴) نکته مهم در تشخیص فاز تاکتیکی جنبش جاری در ایران این است که شکل مبارزاتی جنبش اکنون تظاهرات های سراسری نیست. شاید یک تأثیر انقلاب تونس و مصر بر روحیه عمومی جوانان این بوده باشد که در ایران نیز می توان همان شکل مبارزه "میدان تحریر" را تکرار کرد. اما فاز تظاهرات های سراسری (همانطور که تجربه انقلاب بهم در ایران نیز نشان می دهد) تنها در یک توازن قوای معین ممکن می شود. توازن قوا تابع عوامل بسیار زیادی است، اما تغییر توازن قوا میان جنبش و رژیم بیش از هر عامل دیگری از ترکیب طبقاتی نیروهای فعال در جنبش تأثیر می گیرد. جنبش در ایران هنوز با شیوه سرکوب آشکار رژیم مواجه است و فاز تظاهرات های سراسری بدون عقب نشینی دوفاکتوری رژیم و تحمیل تظاهرات توده ای به رژیم ممکن نمی شود.

۵) عقب نشینی دو فاکتوری رژیم بدون آمدن کارگران به میدان مبارزه به شکل وسیع و با شیوه های ویژه این طبقه میسر نیست. جنبش ایران تمام پتانسیل لازم برای بدل شدن به یک انقلاب عظیم را دارد، اما تحقق این پتانسیل در گرو تحرک طبقاتی کارگران است و تا چنین نشده، حتی علیرغم اینکه ممکن است تحت تأثیر عوامل تصادفی بسیاری توازن قوا برای جنبش انقلابی بسیار مناسب تر به نظر آید، این امری پایدار نیست. بنابراین، صرفنظر از عوامل تصادفی، معیار واقع بینانه از نظر مارکسیستی برای شناخت تغییر توازن قوا به سود نیروهای جنبش چیزی نیست جز تحقق اعتصاب های گسترده کارگری. تا چنین نشده، علیرغم افت و خیزها و تغییرات موقت در توازن قوا، فاز تاکتیکی فعلی جنبش، یعنی پس از ۲۵ بهمن، اساساً باید این واقعیت را که رژیم سیاست سرکوب بیرحمانه جنبش را دارد به رسمیت بشناسد. بنا بر این واقعیت، فاز مبارزات خیابانی اکنون تنها می تواند فاز تظاهرات های پراکنده و محلی باشد. این امر را صرفاً با نوآوری های تاکتیکی در مبارزات خیابانی نمی توان تغییر داد. واقعیت این است که در ۲۵ بهمن و اول اسفند ۸۹ نیز این دقیقاً تعداد زیاد و گستردگی تظاهرات های موضعی پراکنده بود که این خطای باصره را ایجاد می کرد که در تهران تظاهرات سراسری جریان دارد.

۶) از نظر سوسیالیست های کارگری، در فاز فعلی جنبش، تحرک جوانان در جنبش می باید در بهترین حالت در خدمت تسهیل حضور توده کارگران

Be Pish!

NO : 64

WEEKLY PAPER OF WORKERS SOCIALIST
UNITY-IRAN
WWW.WSU-IRAN.ORG
BEPISH@HOTMAIL.FR

News - Political

May, 2011

جایگاه روز کارگر ۹۰ در مبارزه کارگران

رضا مقدم - دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۹۰

به نقل از کارگر امروز شماره ۵، ۱۹ اردیبهشت ۹۰

حداقل از وقایع روز کارگر سال ۸۳ در سفر هر ساله چگونگی برگزاری مراسم روز کارگر به یکی از معیارهای پیشروی یا عقب نشینی جنبش کارگری تبدیل شده است. تا قبل از عروج جنبش آزادیخواهانه مردم در سال ۸۸ وقایع روز کارگر اگر چه در ارتباط با مبارزه کارگران در عرصه های دیگر بررسی میشد اما همواره بر نقاط و قوت و ضعف آن بعنوان یک عرصه مستقل برای تحقق حق جهانی کارگران در برگزاری آزادانه مراسم روز کارگر نیز مورد تاکید قرار می گرفت. هدف این نوشته بررسی جایگاه وقایع روز کارگر سال ۹۰ است و در ادامه آن به اوضاع کل جنبش کارگری و موقعیت تعدادی از تشکلهای فی الحال موجود جنبش کارگری به ویژه در پرتو جنبش ضد دیکتاتوری مردم خواهد پرداخت.

معیار بررسی روز کارگر ۹۰

معیارهای ما برای بررسی روز کارگر ۹۰ طبعا نمی تواند همان معیارهای بررسی بطور مثال روز کارگر سالهای ۸۳ تا ۸۸ باشد. این معیار بعد از عروج جنبش اعتراضی مردم ایران باید ربط داشته باشد به اوضاع عمومی جنبش کارگری و نیازها و کمبودهای آن برای کسب هژمونی بر جنبش آزادیخواهانه مردم ایران و در تقابل با آلترناتیو بخشهای غیر سوسیالیستی این جنبش. به این اعتبار باید دید که تمام فعل و انفعالاتی که

بمناسبت روز کارگر در سال ۹۰ انجام شد جنبش کارگری ایران را به هدفش در قبال جنبش ضد دیکتاتوری علیه رژیم اسلامی نزدیک کرده است یا نه. تنها این می تواند معیار ارزیابی واقع بینانه ای از نقاط ضعف و قدرت جنبش کارگری در روز کارگر امسال بدست دهد.

در تمام سالهای پس از ۱۳۶۰ کارگران کوشیده اند تا به هر شکل ممکن مراسم مستقل و غیر دولتی روز کارگر را برگزار کنند اما در تمام این سالها یک اقدام معین و واحد نظیر برگزاری تظاهرات معیار موفقیت و یا پیشروی و عقب نشینی نبوده است. در سالهای اولیه دهه شصت که رژیم اسلامی با اتکا به اخراج، دستگیری، شکنجه و کشتار وسیع مخالفان، کارگران را در ابعاد وسیع مجبور به شرکت در مراسم دولتی روز کارگر می کرد، گسترش فرار هر چه بیشتر کارگران از مراسم دولتی معیاری برای موفقیت بود. در این سالها کارگران را با اتوبوس از کارخانه ها به محل مراسم دولتی روز کارگر می بردند و در میانه راه و معمولا در سر هر چهار راه که اتوبوس توقف می کرد کارگران از اتوبوسها پیاده میشدند و فرار می کردند. برای مقابله با گسترش این فرارها رژیم اسلامی مقرر داشت تا کارگران بعد از مراسم دولتی به کارخانه بروند و کارت بزنند اما این اقدام هم دوامی نیاورد. در این سالها گسترش تحریم مراسم دولتی معیار مهم موفقیت بود. به غیر از آنکه برگزاری مراسم روز کارگر در خارج از کارخانه و در محافل کارگری در سطح محدود و مخفیانه حتی در دیکتاتوری ترین شرایط در هر دو نظام شاهنشاهی و ملامشاهی قطع نشده است، به موازات تحریم گسترده مراسم دولتی به مرور خرید

شیرینی و پخش آن در کارخانه ها در سطح بسیار محدودی آغاز شد و این اولین نشانه های برگزاری مراسم غیر دولتی روز کارگر در کارخانجات بود.

با تحریم گسترده مراسم روز کارگر رژیم اسلامی توسط کارگران، برگزاری مراسم روز کارگر دولتی بعهده خانه کارگر و شوراهای اسلامی افتاد و سخنرانی مقامات ارشد نظام نظیر خامنه ای در روز کارگر و در استادیوم آزادی نیز قطع شد و این یک پیروزی بزرگ برای کارگران بود که توانسته بودند مراسم اجباری روز کارگر دولتی را با شکست کامل روبرو کنند. با شکست رژیم اسلامی تلاش کارگران برای برگزاری مراسم روز کارگر غیر دولتی گسترش یافت و با توجه به توازن قوا در هر شهر و محل کار اقدامات متنوع بسیاری صورت گرفت و از جمله خرید و پخش شیرینی در کارخانجات بمرور علنی شد و وسعت گرفت. چندین مراسم روز کارگر در سبندج در اواخر دهه شصت که با سرکوب شدید رژیم اسلامی مواجه شد و از جمله سخنران آن جمال چراغ ویسی، اعدام شد، در همین روند رو به پیش مبارزه کارگران بر سر مراسم مستقل و غیر دولتی روز کارگر بود.

در دهه هفتاد برگزاری مراسم غیر دولتی روز کارگر در خارج از کارخانجات گسترش یافت که تحت پوشش انواع مهمانی ها در خانه ها و یا گلگشت ها در خارج شهرها انجام میشد. در دهه هشتاد یک نقطه عطف بزرگ در برگزاری روز کارگر روی داد. در سال ۸۳ کارگران سفر کوشیدند مراسم مستقل و غیر دولتی روز کارگر را در شهر برگزار کنند. سرکوب تظاهرات که منجر به دستگیری تعدادی از کارگران شد با عکس العمل سریع و وسیع اتحادیه های کارگری جهانی